



## نقد و بررسی شعر امروز تاجیکستان

کتاب  
ادبیات

شماره ۸۴ (پیاپی ۱۹۸) - فروردین ماه ۱۳۹۳

تاجیک در قیاس با شعر افغان، بر قدرت و قوت شعر ایشان تأکید کرد. وی گفت: «تاجیک‌ها جوهر شعری داشته‌اند و دارند؛ چراکه رودکی از آنجاست و سرچشمه شعر فارسی تاجیکستان است؛ اما سال‌های اخیر به اضافه پانصد سال جدایی قبل‌تر لطماتی وارد کرده است.»

وی اشاره به پیشینه شعر تاجیکستان را ضروری دانست و تصریح کرد: «اگر مبدأ شعر معاصر تاجیک را آغاز قرن بیستم بدانیم و هر شاعری را که دست کم یک سال در این قرن زیسته، در دامنه شمول معاصران در آوریم، حدود هفتصد شاعر در طول قرن بیستم زیسته‌اند. من خود تذکراهی با عنوان «از صدر تا ساقه» طی یک تحقیق میدانی فراهم آوردم که شرح احوال همین هفتصد شاعر را دربردارد. در ربع اول این قرن، که خط لاتین و روسی به مردم تاجیک تحمیل شد، شعر شاعران، به جهت گسیختگی ارتباط آنان با مادر شعر فارسی، ایران، لطماتی دید؛ اما غلط در وزن و قافیه نداشت، بلکه گاه، اگر فرصت می‌یافت، از تأثر و تأثیر متقابل هم خالی نبود.»

«ویژگی دیگر شعر این مقطع، علاوه بر استوارتر بودن و بهنجارتر بودن و دست کم سخته‌تر بودن و پخته‌تر بودن از جهت لفظ، در قیاس و نسبت به دوره‌های بعد، این است که ایشان هنوز با زبان عربی آشنا بودند، که برای شاعر فارسی ضرورت است. شاعران علاوه بر به کار بردن صحیح لغات و ترکیبات فارسی و عربی، گاه شعر ملمع فارسی - عربی نیز می‌سرودند؛ درحالی که امروز در تاجیکستان حتی یک شاعر نمی‌یابید که عربی بداند؛ حال آنکه امروز شعر تاجیک‌ها صرف‌نظر از مباحث فنی و جوهر شعری و روشنی ذهن و جودت زبان و بیان، از جهات مختلف دیگر نظیر زبان‌شناسی و اجتماعی کمال اهمیت را دارد و باید مدنظر ما قرار گیرد.»

وی، ادوار مختلف شعر تاجیک در قرن گذشته را به‌اجمال بررسی کرد و گفت: «از آغاز ربع اول قرن بیستم، هرچه تاجیک‌ها از خط فارسی و اتصال به منابع میراث ادبی پدران خویش دور شدند، شعرشان در ساخت، ریخت، لفظ، قافیه و وزن از شعر ما دورتر شد و رفته‌رفته کلمات و حتی نحو روسی در زبان آن‌ها تأثیر گذاشت. ایشان گاه حتی اسامی خاص را با تلفظ روسی به کار می‌بردند. استاد صدرالدین عینی و ابوالقاسم لاهوتی و پس از آن‌ها زاله بدیع اصفهانی، پیش‌آهنگان تأثیرگذاری بودند و نقش برجسته‌ای در پیشگیری از نابودی شعر و زبان فارسی در تاجیکستان داشتند؛ اما به خاطر داشته باشیم که هیچ‌یک از آن دو به لحاظ قریحه

بررسی فرهنگ و ادبیات کشورهای همسایه، در مجامع فرهنگی و پژوهشی، همواره از اهمیتی بسزا برخوردار است. از این میان، پرداختن به کشورهای هم‌زبان در اولویت قرار می‌گیرد و اهمیتی مضاعف دارد. سه‌شنبه سیزدهم اسفندماه در مرکز فرهنگی شهر کتاب، شعر معاصر تاجیکستان متناسب با این رویکرد مورد بررسی قرار گرفت. در این نشست، علی‌اشرف مجتهد شبستری، سید علی موسوی‌گرمارودی و گلرخسار صفی‌اوا حضور داشتند.

### شاعری که با جان و دل می‌سراید

مجتهد شبستری، بخشی از تلاش تاجیک‌ها در حفظ آیین، رسوم و زبان خویش، در سال‌های اخیر را بازگو کرد. وی سپس به تلاش‌های گلرخسار صفی‌اوا در این خصوص اشاره و تصریح کرد: «گلرخسار، اولین اشعارش را در سنین کم با زغال بر دیوار آشپزخانه نوشته است. او در رشته ادبیات تحصیل کرده و تا به امروز بیش از پنجاه اثر به چاپ رسانده است؛ امیدوارم صدساله شود و آن‌گاه پیر. گلرخسار در ایران شناخته شده است. او در فهرست زنان مشهور ایرانی قرار دارد. گلرخسار با جان و دل می‌سراید؛ با رویکردی مادرانه. آثار او در ایام جنگ داخلی بیانگر واقعیت‌های موجود بود. او به‌واقع احساس مادری نسبت به آن‌ها که می‌جنگیدند، داشت؛ از این‌روی روایت گلرخسار از زنان افغان و تاجیک در دوران جنگ داخلی، بسیار خواندنی و جالب توجه است. دقت او در ثبت این مسائل مثال‌زدنی است. گلرخسار بازگوکننده و همچنین بازتاب‌دهنده وقایع جامعه خویش است. گلرخسار صفی‌اوا، شاگرد مؤمن قناعت، یکی از بزرگان شعر تاجیک بوده است.»

وی، بر ضرورت شناخت زوایای مختلف شعر و ادبیات تاجیکستان تأکید کرد و افزود: «به‌نظر می‌رسد شناخت ما از تاجیکستان محدود است؛ چراکه وقایع هفتاد سال اخیر این کشور را به‌خوبی نمی‌دانیم، حال آنکه تاجیک‌ها ایران را به‌خوبی می‌شناسند. البته واضح است که این قبیل نشست‌ها می‌تواند در تحقق این امر مؤثر باشد. واقعیت این است که در هفتاد سال گذشته، به مدد کسانی چون ابوالقاسم لاهوتی، ارتباط فرهنگی بین دو کشور برقرار بوده است؛ اما به‌وضوح نادر و اندک. اقدامات شوروی سابق بین دو کشور فاصله‌ای فرهنگی ایجاد کرده است که باید به مدد برنامه‌های مشخص و مدون مرتفع شود.»

### میراث رودکی

موسوی‌گرمارودی ضمن اشاره به آرای برخی منتقدان درباره شعر



شعری نابغه و برجسته نبوده‌اند تا الگویی والا محسوب شوند و شعر تاجیک‌ها را به قله‌ها بکشانند.»

از اواخر دهه شصت میلادی، شعر تاجیک با آنکه همچنان در پشت پرده آهنین به سر می‌برد، به دنبال سفر برخی شعرای تاجیک به ایران و افغانستان و هم سفر برخی ادبای ایران به تاجیکستان، آرام‌آرام با شعر فارسی آشنا شد و حتی از آشنایی با شعر کلاسیک ایران فراتر رفت؛ شاعر تاجیک با شعر نو فارسی در قالب نیمایی نیز آشنا شد. قالب‌های متداول در شعر معاصر تاجیک متنوع‌اند و می‌توان گفت به ترتیب تداول عبارتند از: غزل، چهارپاره پیوسته، رباعی، دوبیتی، نیمایی، مثنوی و کمتر از همه، مسمط‌های ترجیع یا تضمین، که اغلب مخمس هستند. قصیده، قطعه، شعر آزاد و سپید نیز غالباً در آثار متأخرین دیده می‌شود. امروز تضمین غزل‌های حافظ و سعدی و بیدل و چون آن‌ها، چندان متداول نیست، مسمط‌های غیرتضمین نیز نامتداول شده، این قالب‌ها میان متقدمان بیش از معاصران متداول بوده است. قصیده هم تقریباً همین‌گونه است، پس از عینی و لاهوتی و چند تن دیگر بعد از ایشان، باید گفت که این قالب امروزه منحصر به یک شاعر بدخشانی مقیم دوشنبه، سلیم‌شاه حلیم‌شاه است.

وی، قطعه را کم‌شمارترین و نامتداول‌ترین قالب شعری در میان شعرای تاجیک دانست و در این خصوص گفت: «این قالب که نمونه‌های درخشان آن را از زمان رودکی باید پی گرفت، در میان شاعران معاصر تاجیک مطلقاً دنبال نشده است؛ اما اگر بتوان قالب تازه‌ای یافت و مثنوی - قطعه نامش نهاد، باید گفت در آثار استاد مؤمن قناعت انحصار یافته است. قالب نیمایی دیگر قالب متداول در شعر معاصر تاجیکستان است. نخستین شاعری که در قالب نیمایی در تاجیکستان شعر گفته است، مستان شیرعلی است. پس از وی، به تدریج شعر نیمایی در میان شاعران تاجیک، همه‌گیر شد و تا امروز حدود چهل تن از ایشان به‌طور وسیع تجربه سرودن شعر نو دارند. از این میان، دست کم چهار شاعر هم دارای اشعاری در قالب‌های آزاد شاملویی هستند.»

گرمارودی در خصوص غزل تأکید کرد: «این قالب امروز در شعر تاجیکستان زنده و پویا است. از بهترین نمونه‌های آن اشعار محمدعلی عجمی است. چهارپاره پیوسته، از دیگر قالب‌هایی است که بسیار رواج دارد. اگر شعر معاصر تاجیک را به‌لحاظ مضمون نیز بسنجیم، باید به شعر کودک و طنز نیز اشاره کنیم. البته از حیث فراوانی شعر طنز بسیار محدود و اندک است. از میان شعرای مشغول به شعر کودک عبید رجب، برنده جایزه جهانی هانس کریستین آندرسن شده است و این خود در اقبال این قالب شعری مؤثر بوده است. شاید بتوان گفت شاعران کودک از بهترین شعرای تاجیک محسوب می‌شوند و تعدادشان نیز کم نیست؛ قریب به بیست تن از شاعران امروز تاجیک یا تنها شاعر کودک هستند و یا برای کودکان نیز شعر می‌سرایند، نعمان رازق، گلچهره

سلیمانی و حبیب فقیر از این دسته هستند.»

گرمارودی سخنان خود را این‌گونه به پایان برد: «ایمان دارم که به‌زودی هم‌زبانان تاجیک که لزوم آموزش خط نیاکان خود را دریافته‌اند، با آموختن آن بتوانند جایگاه بسیار بلندی را که در شعر فارسی داشته‌اند، دوباره به‌دست آورند و شاهکارهایی گران‌قدر به جامعه هم‌زبان خود عرضه کنند.»

### دردهای رنگارنگ!

گلرخسار صفی‌اوا، با استناد به قول مهدی اخوان ثالث، تفکیک و تفرق بین فرهنگ و ادبیات ایران و تاجیکستان را مذموم دانست و در این باره گفت: «فرهنگ و ادب تاجیک از فارسی مُنفک نیست. به‌زعم اخوان، بنیاد هر دولت و ملتی، زبان است؛ ما یک زبان داریم، لذا نباید از ما و شما سخن گفت. من شعر را اول برای خود و درد خود می‌گویم، اگر دیگری به آن نیاز داشته باشد، آن را از آن خود می‌کند. من خود را از شما جدا نمی‌کنم و این را حق و اختیار خود می‌دانم. برای من افتخاری بزرگ است اینکه آفریدگار، بر من منت نهاده تا از عصر رودکی تا به امروز با زبان فارسی سخن بگویم و به آن عشق بورزم. وقتی من از ایران می‌گویم، تمامی شاعران پارسی‌زبان را در نظر دارم؛ چراکه هر آنچه با یک زبان گفته می‌شود، جملگی به یک فرهنگ تعلق دارد.»

«شعر، صدای نفس لحظه است، حالت حال است، درد است. در تاریخ بشریت هیچ کس در شادی چیزی نیافریده است، شعر نتیجه درد دندان عقل خسته است و دندان هر کس به طریق خودش درد می‌کند. خداوند به ما فارسی‌زبان‌ها بزرگان بی‌ظنیری عطا کرده است؛ بزرگ‌ترین هدیه خداوند به ما شعر است و شعر ما را زنده نگه می‌دارد.»

گلرخسار، به تاریخ جدایی ایران و تاجیکستان، عوامل مؤثر در آن و عواقبش اشاره کرد و ادامه داد: «آنچه ما امروز داریم بسیار خوب است؛ در نقاط مختلف و حتی دورافتاده تاجیکستان، در عرف و عادات مردم و هم میراث باستانی، اشعار فارسی چون شاهنامه و حافظ دیده می‌شود و حفظ شده است. این اشعار به زبان‌های فارسی کهن که در آن مناطق رایج هستند، ترجمه شده است. این همه دلیل بر نادرستی قیاس بین شعر فارسی و تاجیک است.»

وی برخی ویژگی‌های ادبیات معاصر تاجیک را برشمرد و تصریح کرد: «در گستره شعر معاصر تاجیکستان آثار بسیار خوبی وجود دارد. در خصوص شعر نیمایی و سپید باید بگویم مکتب شاملو را بسیار قوی و محکم می‌دانم، سبک اخوان را نیز بسیار می‌ستایم، اما مهم این است که هر شخص درد خود را بازگو می‌کند. شعر امروز ایران در تاجیکستان بسیار شناخته‌شده است؛ به‌عنوان مثال، تاجیک‌ها اشعار قیصر را بسیار می‌پسندند و آثار او و بسیاری دیگر از شعرای معاصر ایرانی در تاجیکستان چاپ و منتشر می‌شود.»